

پروتوکول تسوالو*

The Tswalu Protocol

Principles and Guidelines for Peace-Building Missions

اصول و رهنمودها برای ماموریت‌های ایجاد صلح

جنوری 2008

1- مقدمه و هدف

پروتوکول تسوالو بیان‌کننده نظر مشترکی است که از تجربه گروهی از افراد مسلکی ملکی و نظامی، اساتید پوهنتون‌ها، سازمانها، ادارات دولتی و رهبران کشورهایی که در مرکز ماموریت‌های حفظ و ایجاد صلح قرار داشته‌اند حاصل گشته است.

این پروتوکول به عنوان رهنمودی برای رهبرانی است که در آینده مداخلات بین‌المللی انجام خواهند داد.

پروتوکول تسوالو ماهیت موقتی پاسخ‌های بین‌المللی به منازعات و شکست حکومت‌ها را مورد شناسایی قرار می‌دهد. این پروتوکول به جای آنکه صرفاً خواستار هماهنگی بیشتر باشد، مجموعه‌ای از اصول و رهنمودها را که ایجاد‌کننده گان صلح در آینده می‌توانند از آن جهت مقابله با محدودیت‌های تفکیک‌ناپذیر هر عملیات چندجانبه استفاده کنند را ارائه می‌دارد.

2- ایجاد صلح یعنی چه؟

دو دیدگاه متفاوت در مورد "ایجاد صلح" وجود دارد. ملل متحد ایجاد صلح را به عنوان تلاش‌هایی برای ظرفیت‌سازی، مصالحه و تغییرات اجتماعی تعریف می‌کند.

در این دیدگاه ایجاد صلح یک پروسه طویل‌المدت می‌باشد که پس از زمانی که منازعه خشونت بار کاهش یافته یا متوقف گشته است اتفاق می‌افتد. وزارت دفاع بریتانیا ایجاد صلح را به عنوان اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی که جهت تقویت توافقات سیاسی و به منظور کاهش عوامل منازعه طراحی شده‌اند تعریف می‌کند. در این دیدگاه، ایجاد صلح ممکن است در حالی انجام شود که منازعه هنوز ادامه دارد، همانند اوضاع در افغانستان که تجربه آن انگیزه ایجاد پروتوکول تسوالو را فراهم گردید.

* پروسه تسوالو که باعث ایجاد این پروتوکول گردید دو جلسه رسمی را در خود داشت: در دریاچه کیو در رواندا، 22-21 جولای 2007؛ در پارک طبیعی کالاهاری تسوالو، 29 نوامبر و 1 دسامبر 2007. لستی از شرکت‌کنندگان در انتهای این سند وجود دارد. یک "گفتگوی جامع در مورد ایجاد صلح" نیز از طریق یک سری مشوره جویی‌های خارجی در مورد اسناد رسمی مربوطه و این پروتوکول انجام گردید. این پروسه توسط بنیاد برنتراست (www.thebrenthurstfoundation.org) در همکاری با سازمان انکشافی بین‌المللی دانش (دانیدا) برگزار گردید.

پروتوکول تسالو با قبول اینکه گاهی اوقات تلاش‌های ایجاد صلح می‌بایست قبل از اینکه یک منازعه خاتمه یابد انجام گردند، تعریف گسترده‌تر از ایجاد صلح که در دیدگاه وزارت دفاع بریتانیا بیان شده است را در خود دارد.

بنابراین ایجاد صلح مترادف با " با ثبات سازی " می‌باشد که هدف از آن حمایت از کشورهای است که در مرحله پس از منازعه قرار دارند و به واسطه جلوگیری یا کاهش خشونت، حفاظت مردم و نهادهای کلیدی، حمایت از پروسه‌های سیاسی که منجر به ثبات بیشتر می‌گردند، و آمادگی برای سیاست‌گذاری‌ها و انکشاف طولانی‌تر و غیرخشن انجام می‌شود.

3- چرا ما به یک دیدگاه مشترک نیاز داریم

در 15 سال گذشته، مداخلات برای ایجاد صلح قسماً ناقص بوده اند زیرا آنان خصوصیات ذیل را نداشته اند:

- امنیت: برخی از نیروهای داخلی با پروسه ایجاد صلح، دولت میزبان، و عاملین بین‌المللی مخالف بوده اند. گاهی اوقات به این افراد به عنوان مشکل "تخریب گر" اشاره می‌گردد.
- پلان‌گذاری استراتژیک: عاملان خارجی نمی‌توانند یک حالت نهایی مورد توافق که هدف یکسانی برای مداخله مشترک آنها را فراهم کند مورد شناسایی قرار دهند.
- مرجع هدایت‌کننده: هیچ مرجع قانونی که قادر باشد سازمانهای مستقل مختلفی که تلاش بین‌المللی را شکل می‌دهند هدایت کند وجود ندارد.
- تعلیم و آگاهی فرهنگی: کارمندان خارجی آگاهی کافی از فرهنگ میزبان ندارند.
- ظرفیت محلی: داورها بواسطه نبود افراد مسلکی داخلی که قادر به اجرای پروژه‌های پیچیده‌سکتور عامه باشند به مشکل مواجه می‌گردند.
- تحمل ریسک: مداخله بین‌المللی جهت تقویت واقعی شرکای داخلی به دلیل نداشتن اعتماد و ترس از شکست بسیار آهسته و کند می‌باشد.
- تمویل: زمانی که تمویل خارجی به طور سیستماتیک و با توجه لازم به نتایج سیاسی آن انجام نگیرد می‌تواند موافقات صلح را متضرر سازد. در حالی که اغلب اوقات طرز‌العمل‌های حساب‌دهی مالی دولت میزبان نامناسب است، ممکن است مکانیزم‌های تمویل آهسته، غیرقابل پیش‌بینی و موقتی باشند که پایداری را با مشکل مواجه می‌کنند. همچنین ممکن است تمویل خارجی به جای در نظر داشتن نیازهای کشور میزبان، از طریق میکانیزم‌های راپوردهی و ملزومات دوران حسابرسی و بودجوی تنظیم گردد.
- مشاغل و خدمات اساسی: پروگرام‌هایی برای ایجاد شغل و خدمات اساسی، که هر دو برای تحکیم صلح ضروری هستند، اولویت لازم را دریافت نکرده و به ندرت نتایج مناسب را ایجاد می‌کند.

4. اصول

اصول ذیل باید بر هر بخش از پاسخ بین‌المللی حاکم باشند. ناتوانی در رعایت یکی از این اصول کلیدی موقفیت ماموریت‌های پیشین را به خطر انداخته است:

- **مشروعیت محلی:** با وجود اینکه صلح در کوتاه مدت تضمین شده باشد، اگر دولت میزبان نتواند پشتیبانی مردم را به نفع خود جلب کند، کمپاین ایجاد صلح در نهایت با شکست مواجه خواهد شد.
- **انسجام در تلاش:** انسجام عملیاتی در ایجاد صلح نیازمند اولویت بندی و موافقت در سطوح ستراتیژیکی و عملیاتی می باشد. اولویت بندی در سکتورهای مختلف عملیات نیازمند ساختارهایی برای هماهنگی و شامل ساختن علایق ملی/سازمانی در جهت نیازهای حکومت میزبان است. اطمینان یافتن از موافقت گسترده بالای این ساختارها قبل از استقرار نیروها بسیار مهم است. اصولاً، انسجام ستراتیژیکی و هماهنگی در حوزه صلاحیت دولت میزبان است، اما در مواردی که دولت های انتقالی ضعیف هستند هماهنگی نیاز به چوکات های خارجی نیز خواهد داشت.
- موافقت بالای اهداف گسترده ستراتیژیکی و مکانیزم های هماهنگی نباید بیش از حد سخت گیرانه بوده و موانع غیر ضروری را برای خود مختاری سازمان های کمکی بین المللی ایجاد نمایند.
- **حساب دهی:** تمام عاملینی که در پروسه ایجاد صلح دخالت دارند باید از ساختارهای تنظیمی قابل اجرا - که ترجیحاً توسط مقامات محلی در همکاری با شرکای بین المللی مورد نظارت قرار گیرند - جهت تضمین شفافیت و حساب دهی پیروی کنند.
- این موضوع شامل تمام سازمان ها و نیروهای بین المللی، کمپنی های امنیتی خصوصی، انجوها و همچنین سازمان های داخلی می گردد.
- **عمل گرایی:** موفقیت نیازمند فهمی از آنچه که بطور واقع بینانه قابل حصول است می باشد. عواملی که یک ارزیابی واقع بینانه میبایست از آنان آگاه باشد شامل تهدیدات نسبت به امنیت پروسه، ظرفیت محلی، انسجام در پاسخ، میزان اراده سیاسی و منابع بین المللی، فرهنگ سیاسی و تاریخ محلی می باشد.
- **ارتباط بی طرفانه:** ارتباطات قابل اعتماد و بی طرفانه از سوی تلاش ایجاد صلح جهت حصول اعتماد و حمایت مردم کشور میزبان بسیار با اهمیت می باشد.
- **نقش زنان:** زنان، به عنوان گروهی خاص که آسیب پذیر هستند و به طور نامتناسبی از منازعات رنج می برند، سرمایه ای کلیدی برای ایجاد صلح و کاهش منازعه هستند.
- **یک هدف مشترک:** عاملین خارجی و دولت محلی نیاز به فهم مشترکی از نیازهای کشور میزبان و هدف طولانی مدت ابتکار بین المللی قبل از آنکه نیاز به ایجاد رهنمودها باشد دارند.

5- اولویت بندی کارها به طور مشترک:

ایجاد صلح به طور موفق نیاز به بازسازی یک حکومت کارآمد با تمرکز بالای امنیت، انکشاف و حکومت داری است. این سه مآ موریت برای هر تلاش جهت ایجاد صلح ضروری بوده و معمولاً باید به ترتیب و اولویتی که در ذیل آمده است پیگیری شوند:

- **امنیت:** امنیت هدف اولیه هر ستراتیژی ایجاد صلح می باشد. امنیت شامل مصونیت عامه به طور کل و همچنین امنیت ملی و بین المللی می باشد. نیروی مداخله گر باید از مزایای " وقت طلایی " - زمان بلافاصله پس از ختم خصومت های عمده - جهت ایجاد یک محیط امن استفاده کند. اقدامات برای ایجاد صلح که در ادامه آن انجام میگیرند می بایست با توجه به یک پلان باثبات سازی انجام گیرند و تلاش های خارجی و محلی را ادغام نمایند. نیروهای نظامی مشترک باید بر طبق دوکتورین مشترک مورد موافقت عمل نمایند (که در حالت مطلوب قبل از آغاز عملیات ها تعیین شده باشد). این نیروها باید از آموزش و منابع جهت مواجهه با چالشهای امنیتی پس از منازعه، مانند جابجایی

مهاجرین و اجرای پروژه های فواید عامه که دارای تاثیر فوری هستند برخوردار باشند. به منظور جلوگیری از آزادی حرکت "تخریبگران" میبایست ایجاد سریع امنیت بومی و نیروهای کنترل سرحدا در اولویت قرار گیرد. این پروسه باید شامل فراهم آوری زود هنگام و مناسب شرایط برای خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد اجتماعی و اقتصادی جنگجویان سابق باشد.

- **انکشاف:** امنیت و انکشاف به طور متقابل یکدیگر را تقویت می کنند. موضوع اضطراری این است که: بیش از نیمی از کشورهای که در حالت پس از جنگ داخلی قرار دارند در مدت پنج سال دوباره دچار جنگ می شوند. درس های موفقیت و شکست در کشورهای پس از منازعه دائما به نیاز برای تشویق تلاش جهت کارآفرینی و ایجاد اشتغال، خصوصا برای عساکر ملکی سازی شده، اشاره دارند. نرخ های بلندتر رشد اقتصادی شانس موفقیت در ایجاد صلح را بطور مسلم افزایش می دهد. جهت دستیابی به یک چرخه مناسب رشد، ثبات و انکشاف، این استراتژی می بایست شرایطی که امکان کارآفرینی را بوجود می آورند، به شمول کاهش هزینه های انجام تجارت، ارتقای حاکمیت قانون، حفاظت از حقوق مالکیت، با ثبات سازی پول رایج و تضمین قابل پیش بینی بودن مالیات و پالیسی تنظیمی را در اولویت قرار دهد. تلاش برای ایجاد صلح باید اطمینان حاصل نماید که وزارتخانه های کلیدی فعال هستند، که این کار در صورت لزوم توسط کار گرفتن از پرسنل حمایتی تخنیکی و مدیریتی انجام می شود. معیارهای انکشاف و معاونت باید ایجاد گشته و از آنها پیروی گردد، که دامنه آن از گزارشات منتشر شده مختصر در مورد مصارف تا اهداف برای نسبت کمک ها به تولید ناخالص ملی باشد. موانع انجام تجارت باید مورد شناسایی قرار گرفته و از میان برداشته شوند. پروگرام های فواید عامه می توانند بیکاری را کاهش داده و همچنین مانع دسترسی تخریبگران به نیروی انسانی گردند.

در جایی که مردم محلی دارای تخصص می باشند باید حضور خارجی ها تا حد ممکن کم بوده، و قواعد(مشروطیت) در مرکز امور و قطعا به میزان حداقل باشد. باید دقت صورت گیرد که پالیسی ها بر طبق تعصبات نهادی و فرهنگ عاملان خارجی شکل نگیرند. امری که به همین اندازه برای انکشاف در طولانی مدت اهمیت دارد بازسازی سریع خدمات معارف است که نقشی بسیار حیاتی برای ایجاد صلح از طریق ایجاد یک داستان و تاریخ مشترک و یا در برخی از موارد دوباره سازی هویت های ملی جمعی که توسط جنگ متلاشی شده اند دارد.

- **حکومت داری:** اقدامات خارجی – که توسط یک مرجع در داخل کشور هماهنگ می گردند - میبایست به هدف بهبود قابلیت ها و مشروعیت شرکای محلی صورت گیرد. در ساحات مهمی همچون کمیسیون خدمات ملکی و کمیسیون انتخابات باید اقداماتی صورت گیرند. چنین پروگرام هایی باید توسط یک استراتژی ارتباطاتی قوی حمایت گردند. این بسیار ضروری است که مکانیزم هایی جهت دریافت نظریات مردم محل ایجاد شده و درک گردد که عاملان خارجی چه چیزهایی را می توانند از ستراتیژی هایی که مردم محل برای فایق شدن به مشکلات دارند بیاموزند. در طول زمان، حمایت دونه ها از رسانه های محلی باید راه را برای رسانه های خصوصی باز کند تا مبادا این حمایت اعتبار مطبوعات محلی را از بین ببرد. با توجه به نقش رسانه های بین المللی در تعیین موفقیت یا شکست ماموریتها، باید مشخص گردد که چه پیامهای خارجی می توانند به بهترین شکل باعث ایجاد حمایت عامه مردم در کشورهای کمک کننده باشند. عملیتهای معلوماتی و ارسال پیامها میبایست در بلندترین سطح فعال، منسجم و هماهنگ باشند. در داخل کشور، بهبود نمایندگی سیاسی فراگیر و مشروعیت دولت میبایست تمام رسانه ها را مورد حمایت قرار دهد.

6. انجام کارها و حفظ انسجام

در اکثر عملیات‌های ایجاد صلح، اجماع بین المللی در مورد موضوعات خاص دچار تکثر می‌گردد. تنش‌هایی در مورد اولویت بندی و اجرای کارها بوجود خواهند آمد. تنها برخی از این تنش‌ها قابل مصالحه هستند. (قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد و دستورالعمل‌های مربوطه به ندرت در مورد این مسائل حکمی ارائه می‌کنند). هیچ رهنمودی برای ایجاد صلح نمی‌تواند راه‌حلهای از قبل تعیین شده‌ای را برای مواجهه با تمام معضلاتی که ممکن است در صحنه عمل بوجود آیند فراهم کند. مانند همیشه، اقدامات باید با فهم درستی از فرهنگ محلی، اوضاع سیاسی و عوامل ایجاد منازعه انجام شوند. پاسخ بین المللی باید بطور پرتحرک و انعطاف پذیر باشد – اما همچنین تضمین نماید که اقدامات آن اصول اساسی را نقض نکرده و یا از پلان موافقت شده ایجاد صلح به میزانی که ماموریت را به خطر اندازد انحراف نرزد.

پروتوکول تسالو بعنوان رهنمودی برای تصمیم‌گیرندگان زمانی است که شرایط مستلزم "انتخابهای دشوار"، مانند موارد ذیل که از تجارب اخیر در مورد ایجاد صلح حاصل گشته‌اند، است:

حکومت سازی در مقابل مصالحه: اغلب اینطور فکر می‌شود که احیای حکومت مترادف با مصالحه است، اما در حقیقت حکومت سازی در ذات خود اغلب اوقات باعث ایجاد رقابت و منازعه می‌گردد. این کار باعث مطرح شدن سوال اساسی "چه کسی حکم می‌راند؟" می‌گردد و تعیین می‌کند که چه کسی منابع کشور را کنترل می‌کند. شرایط تعیین خواهند کرد که آیا، برای مثال، انتخابات باید زود برگزار شود یا به خاطر حفظ صلح به تاخیر افتد. حتی در مورد دوم، مهم است که تشخیص داده شود که پروسه مدیریت منازعه سیاسی بالای مسائل کلیدی می‌تواند سازنده باشد و مصالحه گسترده‌تر را متأثر سازد یا خیر.

- کار با حکومت در مقابل کار در پیرامون حکومت. تقریباً همیشه عملیات‌های ایجاد صلح وظیفه دارند تا برای حکومت ظرفیت سازی کنند. اما گاهی مقامات حکومتی کارشکنی می‌کنند و یا از شایستگی لازم برخوردار نیستند. در کوتاه مدت، ممکن است ایجاد کنندگان صلح مجبور باشند به جای کار از طریق مقامات حکومتی در پیرامون آنها فعالیت کنند، که این کار ممکن است حتی به قیمت تضعیف همان نهادهایی باشد که آنها وظیفه بازسازی آنان را دارند. اما اگر ضرورت به "کار در پیرامون" به دلیل سوء استفاده دولت باشد، موفقیت متداوم ماموریت ایجاد صلح باید در معرض بررسی دقیق و قوی داخلی قرار گیرد و در حالت شدید آن، اگر دولت همکاری خود را متوقف کند باید از ماموریت صرف نظر گردد.

- مقامات حکومتی در مقابل مقامات غیر حکومتی. اغلب اوقات در حکومت‌های شکست خورده حضور دولت در نواحی دورافتاده وجود ندارد. بنابراین، عاملان بین المللی مجبوراند با هرکسی که "دارای صلاحیت است" (برای مثال، ریش سفیدان محل، رهبران ملیشه‌های محلی، کسانی که خود را شاروال یا والی نامیده‌اند، روحانیون، و غیره) کار کنند. اگرچه ارزیابی دقیق و آگاهی محلی جهت تصمیم‌گیری در مورد ادعاهایی که بطور رقابتی مطرح می‌شوند ضروری می‌باشند، حتی انتخابهایی که با دلیل و منطق برگزیده می‌شوند گاهی اوقات باعث ایجاد منازعه محلی می‌گردند.

- قانون اساسی/حاکمیت قانون رسمی در مقابل قوانین عرفی. کارکرد قوه قضائیه رسمی و پولیس در بسیاری از حکومت‌های پس از منازعه – خصوصاً در کشورهای فقیر – معمولاً ضعیف می‌باشد. در این مواقع، جوامع محلی اصولاً بالای قوانین عرفی و مذهبی (مانند شریعت) و مجموعه‌ای از ابزارهای مراقبتی

و حفظ نظم عامه که اضافه بر قانون اساسی هستند اتکا می‌کنند. عاملان خارجی با انتخاب‌های دشواری در مورد اینکه آیا این سیستم‌های غیررسمی را مورد شناسایی قرار داده و با آن کار کنند، و یا بالای سیستم عدلی و قضایی و پولیس رسمی تاکید ورزند مواجه می‌گردند. این مسئله بطور خاص برای پروژه‌های "حاکمیت قانون" چالش برانگیز است. کارکردن تنها با ساختارهای رسمی خطر نادیده گرفتن سیستم‌هایی که در عمل کارایی دارند را دارد؛ دست کشیدن از ساختارهای رسمی امنیتی خطر تاثیرگذاری نامطلوب بالای حکومتداری و انکشاف دارد. بطور روبه‌افزایشی ایجاد کنندگان صلح خارجی به دنبال جستجوی راه‌هایی جهت افزایش همکاری بین ساختارهای ضعیف حکومتی و ترتیبات غیر رسمی حکومتداری، مثلا از طریق پروژه‌های انجام وظایف پولیس از طریق جوامع، هستند که نشان‌دهنده تقدم اصل مرکزی تقویت واقعی مردم محل می‌باشد.

- اهدای بدون تبعیض قراردادهای در مقابل تخصیص تناسبی برای گروه‌های اجتماعی. اهدای قراردادهای از سوی ایجاد کنندگان صلح - برای اشتغال، کرایه، تدارکات و ساخت و ساز - منبع عمده‌ای از عایدات است که می‌تواند باعث شروع منازعه گردد. اغلب اوقات عاملان خارجی باید بین سیستم‌های اهدای قرارداد، که صرف بر مبنای شایستگی هستند در مقابل پافشاری محلی بالای تناوب قراردادهای برای گروه‌های قومی و یا معیاری دیگر، یکی را انتخاب نمایند. اگرچه انتخاب دوم ممکن است به حفظ صلح از طریق "نوبت" دادن به هر گروه کمک کند، این کار باعث نادیده گرفتن اصل شایستگی می‌گردد. این کار همچنین ممکن است ماموریت‌های ایجاد صلح را پرهزینه‌تر سازد. با این وجود، هدف از انتخاب بهترین بین این دو بهبود تاثیرات زیانبار سیستم‌های محلی به جای تحمیل ساختارهای ناخواسته خارجی که ممکن است مورد مخالفت قرار گرفته و در نهایت طرد گردند می‌باشد.

- صلح در مقابل عدالت. درخواستها برای دستگیری افراد مظنون به جنایات جنگی - چه توسط جوامع محلی یا گروه‌های بین‌المللی حقوق بشر - ممکن است با نیاز به بازداشتن تخریب‌گران از تحریک خشونت مواجه شوند. تقریباً هر ماموریت ایجاد صلح با مبادله "صلح در مقابل عدالت" مواجه می‌گردد. تا آنجایی که اراده سیاسی بین‌المللی اجازه دهد، تصامیم باید بر اساس میل مقامات ملی و مردم کشور مربوطه هدایت گردند نه توسط عاملان خارجی.

- مالکیت محلی در مقابل موثریت. نیاز به قرار دادن مالکیت در دستان عاملان محلی ممکن است با این موضوع ضروری که کارها باید به سرعت انجام شوند برخورد پیدا کند. این مشکل بواسطه استفاده روبه‌افزایش از اندازه‌گیری‌های کمی جهت قضاوت در مورد کارکرد فعالان خارجی ایجاد کننده صلح بدتر شده است.

- جامعه مدنی در مقابل حکومت. یک جامعه مدنی پرجنب و جوش عنصر مهمی از یک دموکراسی قوی به شمار می‌رود، و گروه‌های مدنی محلی (انجوها) معمولاً موثرترین شرکاء برای اجرای پروژه‌های انکشافی هستند. با این حال نیاز به سوق دادن وجوه از طریق نهادهای حکومتی جهت تقویت ظرفیت و مشروعیت آنها نیز مهم می‌باشد. کمک بسیار زیاد از طریق انجوه‌های محلی می‌تواند باعث آسیب‌های حکومتی در حال تکوین، مثلا از طریق جذب بهترین کارکنان خدمات عامه در انجوها، گردند. ایجاد کنندگان صلح باید انتخاب‌های آگاهانه‌ای در مورد تعادل همکاری‌های خود با هر دو مجموعه از این عاملان انجام دهند.

7. ده گام به سوی انسجام عملیاتی

پروتوکول تسالو ده اقدام را جهت بهبود موثریت اقدامات برای ایجاد صلح مورد شناسایی قرار می دهد:

1. *پلان کمپاین*: جهت مدیریت پروژه ایجاد صلح میبایست یک "پلان کمپاین" که مالکیت و رهبری آن بدست دولت محلی باشد، و نیروهای نظامی و دیگر سازمانهای بین المللی به آن کمک کنند، در اولین مرحله از اقدامات جهت ایجاد یک تلاش متمرکز هماهنگ شده و متداوم ایجاد گردد.

2. *ایجاد انسجام*: کمیته ای در سطح عالی و به رهبری دولت - یک تیم عملیاتی باثبات سازی، در همکاری با گروه عمل پالیسی که در افغانستان ایجاد شده است (در حقیقت یک "کابینه جنگی انکشاف") - باید در ابتدای ماموریت جهت هماهنگی پروگرامهای بین المللی و محلی در مورد حکومتداری، انکشاف و امنیت ایجاد گردد.

3. *ملت های پیشگام*: دولت میزبان ملت پیشگام است. باین حال زمانی که در مقابل خواسته های داخلی و پیشنهادات معاونت خارجی قرار گیرد آسیب پذیر بوده و ممکن است دچار مشکل گردد. زمانی که دولت مورد چنین تهدیدی قرار گیرد، ملتهای خارجی می توانند وظایف خاصی را در ارتباط با امنیت و انکشاف عهده دار شوند، اما باید دقت صورت گیرد تا اطمینان حاصل گردد تا این اقدامات برای ملت میزبان قابل جواب بوده و آنها بطور مستقل عمل ننمایند.

4. *ظرفیت سازی*: توانمند سازی مردم محل باید در زودترین وقت ممکن آغاز گردد. باید آشکار گردد که چه ظرفیتهای فنی و مدیریتی جهت فهم اصلاحات و معاونت مورد نیاز وجود ندارند. تاکید باید بالای نهادها صورت گیرد نه اشخاص.

5. *ارزیابی اقتصادی*: حسابرسی دقیق از اقتصاد داخلی یکی از اولویتهای روزهای نخست یک ماموریت ایجاد صلح است که در ایجاد پروگرامها برای حمایت دونهها کمک خواهد کرد. ایجاد صلح باید بر مبنای فهم درستی از نقاط قوت رقابتی و نقاط ضعف اقتصاد به شمول عوامل رشد و صادرات کلیدی صورت گیرد.

6. *تمرکز معاونت و اولویتهای*: کمکها باید متمرکز بوده و اهداف آن اولویت بندی گردند. برخی چیزها نسبت به دیگران دارای اهمیت بیشتری هستند. تلاش برای انجام تمامی کارها در یک زمان تضمینی برای شکست است. وجوهات خارجی می بایست ساحاتی را هدف قرار دهند که در آنجا شرایطی برای موفقیت اقتصادی از قبل وجود داشته باشد - به عبارت دیگر، بازار موجود باید تقویت گردد به جای آنکه از نو طرح ریزی گردد.

7. *ایجاد اشتغال*: توجه باید بالای بهبود اشتغال و کاهش هزینه های انجام تجارت متمرکز گردد - از پالیسی بهتر تا زیرساختهای فیزیکی بهبود یافته. پروگرامهای فواید عامه می توانند در مدیریت افزایش ناگهانی انتظاراتی که همیشه پس از ختم یک منازعه وجود دارند کمک نمایند. این انتظارات به ندرت کاهش می یابند و در واقع هنگامی که دولت خدمات بیشتری ارائه می کند افزایش میابند.

8. *ضوابط رفتاری*: درحال حاضر کمپنی های امنیتی خصوصی بخشی همیشه حاضر از محیط ایجاد صلح می باشند. نیازی به تغییر در فرهنگ جهت قبول، پذیرش و تنظیم فعالیتهای آنها وجود دارد. کمپنی های امنیتی خصوصی و هم انجوهای بین المللی میتوانند از طریق ضوابط رفتاری تنظیم گردند. حقوق بین الملل میبایست جهت دربرگرفتن این دورنمای جدید امنیتی مورد بازبینی قرار گیرد.

9. معلومات و پیامدهی: یک کمپاین ستراتژیک پیامدهی که هدف از آن ارائه پیامهای دقیق و متداوم به شنوندگان محلی، منطقوی و بین المللی باشد ضروری است.

10. حفظ پیشروی: تداوم ماموریت خارجی ایجاد صلح جهت حفظ پیشروی، که به نفوس کشور اطمینان می بخشد، بسیار مهم می باشد. این کار مستلزم دوره های طولانی تر برای پرسونل ارشد نظامی و غیرنظامی است.

پروتوکول تسالو

اصول و رهنمودها برای ماموریت‌های ایجاد صلح

شرکت کننده گان در پروسه تسالو*

روسای مشترک

پاول کاکیم (جلالت مآب)، رئیس جمهور رواندا***

فرانسیسکو سانتوز (جلالت مآب)، معاون رئیس جمهور کلمبیا***

ایب پیترسن (افتخاری)، وزیر امور خارجه، دنمارک***

کارتون فولفورد (جنرال، اردوی ایالات متحده، متقاعد)**

اعضای جلسه

آدام کاب (پروفیسور)، کالج جنگی نیروی هوایی ایالات متحده، مکسول ای اف بی، آلاباما، ایالات متحده*

آگوستینو زاکاریاس (داکتر)، برنامه انگشافی ملل متحد، زیمبابوی*

اندرو ستوارت (جنرال، متقاعد)، بریتانیا*

اتو یمانه کیدان (آقا)، مرکز تحقیق پالیسی و گفتمان، اتیوپیا*

براونی ساموکای (افتخاری)، وزیر دفاع، لایبیریا*

کریس ورنن (کرنیل)، معاون قومندان: آی ام ای تی تی، سریالیون*

کریستوفر کوکر (پروفیسور)، پوهنتون اقتصادی لندن، بریتانیا*

دانیل پلتکا (خانم)، مرکز تصدی امریکایی، ایالات متحده*

دیوید ریچاردز (جنرال، سر) قومندان: آیساف آی ایکس، قول اردوهای متحد واکنش سریع، بریتانیا*

دومینیک مدلی (آقا)، گروپ رسانه های موبی، افغانستان*

دومینیک اورسینی (داکتر)، مشاور سیاسی سابق ملل متحد و اتحادیه اروپا، بوسنیا و افغانستان*

* (صرف در اجلاس تسالو)؛ ** (صرف در اجلاس کیو)؛ *** (سهم گیری بدون شرکت در جلسات)

پروتوکول تسالو

اصول و رهنمودها برای ماموریت‌های ایجاد صلح

امانول کارکه کارنزی (جنرال)، معاون قومندان اتحادیه اروپا، دارفور**

فرانک موگامباگ (جنرال)، دفتر ریاست جمهوری، رواندا*

فرانک پرل (افتخاری)، Alta Consejeria para la Reintegracion, Presidencia، رواندا

فرانک روساگارا (جنرال)، قومندان، آکادمی نظامی، رواندا

جردن رایان (سفیر)، معاون نماینده خاص سرمنشی ملل متحد، لایبیریا*

کلی لنگدورف (کرنیل)، دفتر وزیر دفاع، ایالات متحده*

کیران پرندرگاست (سیر)، معاون سابق سرمنشی ملل متحد، بریتانیا*

لری سوانتر (کرنیل، متقاعد)، ایالات متحده

موننگومری مک فیت (داکتر)، مشاور علوم اجتماعی: پروگرام سیستم بومهای انسانی اردوی امریکا، ایالات متحده*

پاتریک مازیمهاکا (افتخاری)، معاون رئیس، اتحادیه افریقا

پاول ولفویترز (افتخاری)، مرکز تصدی امریکایی، ایالات متحده*

پیتر جونال (آقا)، Gandamak Lodge، افغانستان*

روری استوارت (آقا) بنیاد کوه فیروزه، افغانستان*

شاه علی رضا (خانم)، بانک جهانی، ایالات متحده*

ستيو سند (ادمیرال، متقاعد)، بنیاد برنتراست، افریقای جنوبی

وانس سرچاک (آقا)، دفتر سناتور لیبرمن، ایالات متحده*

نویسندگان اسناد

الیستر هریس (آقا)، گروه پرسو، لبنان

عزیز حکیمی، گروه کلید، افغانستان**

بیل بیرد (داکتر)، بانک جهانی، ایالات متحده

کریس براون (جنرال)، لوی درستیز، آیساف آی ایکس؛ قومندان عمومی: ایرلند شمالی، بریتانیا

پروتوکول تسوالو

اصول و رهنمودها برای ماموریت‌های ایجاد صلح

کریس پارکر (کرنیل، متقاعد)، مرکز مطالعات دفاع و امنیت بین‌المللی، بریتانیا

دال لوتنباخ (خانم)، بانک جهانی، ایالات متحده

دیکی دیویس (جنرال)، سرانجینر: آیساف آی ایکس؛ دستیار پلانگذار کل: لاند، بریتانیا

مارتین ادموندز (پروفیسور)، مرکز مطالعات دفاع و امنیت بین‌المللی، بریتانیا

ماورو دو لورنزو (آقا)، مرکز تصدی امریکایی، ایالات متحده

میشل پارکر (خانم)، شرکت راند، ایالات متحده

سین مک فیت (آقا)، مرکز پالیسی دو حزبی، ایالات متحده

تهیه‌کنندگان مسوده پروتوکول تسوالو

گرگ میلز (داکتر)، بنیاد برنتراست، افریقای جنوبی

جفری هرست (داکتر)، پوهنتون میامی، ایالات متحده***

جان مکین لی (داکتر)، کالج کینگز، لندن، بریتانیا

کن منخاس (داکتر)، کالج دیویدسن، ایالات متحده

ترنس مک نیمی (داکتر)، نهاد خدمات متحد شاهی برای مطالعات دفاع و امنیت، بریتانیا